

مدیریت ریسک در دیدگاه اسلام؛ ضرورت‌ها و کاربردها

محمد آزاد^۱

محمد رضا رجب‌زاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۴

چکیده

تصمیم‌گیری مدیران اغلب در شرایط ریسک انجام می‌شود. با توجه به اهمیت اثربخشی تصمیم‌گیری‌ها، تعیین سطح ریسک و مدیریت آن برای فرد تصمیم‌گیرنده مهم و ضروری است. از طرف دیگر، همسویی ریسک و بازده اهمیت این مساله را دو چندان می‌کند، زیرا خلق ارزش بعنوان هدف اصلی مدیریت مستقیماً تحت تاثیر سطح ریسکی است که مدیر می‌پذیرد. بی‌توجهی به این مقوله می‌تواند منجر به جابجایی ثروت بین گروه‌های مختلف ذینفعان گردد. مقاله پیش‌رو نوعی تحقیق اکتشافی است که به روش فلسفی، ضرورت مدیریت ریسک را از دیدگاه اسلام بررسی نموده و مصداق‌هایی برای آن ارائه می‌کند. در ادامه، با مرور ویژگی‌های ابزارهای مالی مختلف شامل اوراق اختیار معامله، قراردادهای آتی، قرارداد تاخت و سایر ابزارهای مدیریت ریسک، چارچوب‌های واکنش به ریسک از منظر اسلام و فقه بررسی می‌شود. بویایی فقه شیعه باعث گردیده برخی از این ابزارها به روش مهندسی مجدد و منطبق‌سازی با موازین شرعی، در بازار سرمایه و بورس کالا قابل عرضه شوند. اگرچه، در حال حاضر استفاده از این ابزارها بویژه در بازار سرمایه بسیار محدود می‌باشد ولی کماکان طراحی ابزارهای مالی جدید و یا تصحیح دیگر ابزارهای موجود ضرورت دارد.

کلمات کلیدی: ریسک، مدیریت ریسک، فقه شیعه، شرایط عدم اطمینان، جابجایی ثروت.

طبقه‌بندی JEL: C12, D01, D12

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه آزاد اسلام

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد مالی، مهندسی مالی و مدیریت ریسک، دانشگاه تهران

Azad-muhammad@hotmail.com

m.rajabzadeh@ut.ac.ir

مقدمه

شاید بتوان در مقایسه با سایر وظایف مدیران، برنامه‌ریزی را به عنوان اولین و مهمترین وظیفه آنان برشمرد (احمدی، ۱۳۹۲، ۲۱۵). تصمیم‌گیری به‌عنوان انتخاب یک راه حل اقدام از میان راهکارهای مختلف هسته مرکزی برنامه‌ریزی تعریف می‌شود. یک تصمیم درست و سنجیده مدیر، می‌تواند منجر به رشد و تعالی یک جامعه یا سازمان شود و برعکس، یک تصمیم نابجا و نادرست مدیر، گاهاً زمینه ساز اضمحلال و نابودی جامعه یا سازمان شود (همان، ۲۲۱-۲۲۰). تصمیمات مدیران از نظر میزان اطمینان به نتایج حاصل از حالات مختلف اخذ تصمیم به سه گروه اصلی شامل تصمیم‌گیری تحت شرایط اطمینان کامل، تحت شرایط ریسک و تحت شرایط عدم اطمینان دسته‌بندی می‌شود. شرایطی که عموماً مدیران در آن قرار می‌گیرند شرایط تحت ریسک است. در این شرایط اصطلاحاً مدیر با اطمینان کامل نمی‌داند که نتایج حاصل از هر یک از راهکارها چیست ولی احتمال وقوع آن‌ها را می‌داند، پس وی تحت شرایط ریسک یا مخاطره تصمیم می‌گیرد. ریسک وضعیتی است که وقوع پیشامدها احتمالی است، یا به عبارت دیگر در این وضعیت پیشامدها توزیع احتمال دارند (آبرول و شارما، ۲۰۰۳، ۸۹۳)

فرآیندی که بوسیله آن، سازمان‌ها روشمندانه به ریسک‌های وابسته و مربوط به فعالیت‌های خود با هدف دستیابی به مزیت‌های پاینده هر فعالیت و نیز پرتفوی تمام فعالیت‌ها می‌پردازند، مدیریت ریسک تعریف می‌شود (پوریان‌سب و آزاد، ۱۳۸۹، ۱۱). یکی از مراحل این فرآیند، واکنش به ریسک است که خود شامل انواع زیر می‌باشد.

- ✓ **اجتناب**، خروج از فعالیت‌هایی که موجب بالا رفتن ریسک می‌شوند. اجتناب از ریسک می‌تواند شامل تعطیل کردن یک خط تولیدی، کاهش حوزه جغرافیایی بازارهای جدید، یا فروش یک بخش از واحد تجاری باشد.
- ✓ **کاهش**، فعالیتی که موجب کاهش در احتمال وقوع یا اثر رویداد و یا ترکیبی از هر دو عامل باشد. این گروه از فعالیت‌ها دربرگیرنده تصمیمات زیادی هستند که به‌صورت روزانه در هر واحد تجاری اتخاذ می‌شود.
- ✓ **توزیع**، کاهش احتمال وقوع ریسک یا اثر آن از طریق انتقال یا توزیع ریسک. فنون رایج شامل استفاده از بیمه محصولات، شرکت در معاملات مصون‌سازی، یا برون‌سپاری یک فعالیت می‌باشد.
- ✓ **پذیرش**، هیچ‌گونه اقدامی که بر احتمال وقوع و اثر رویداد موثر باشد، صورت نمی‌گیرد (کمیته کوزو، ۲۰۰۴).

مدیران در اعمال راهکارهای واکنش به ریسک ابزارهایی شامل انواع بیمه نامه، ابزارهای مشتقه و ... را در اختیار دارند. سازوکارهای استفاده از این ابزارها به ویژگی‌های محیط فعالیت همچون قوانین حاکمه بستگی دارد. از آنجا که محیط کنونی فعالیت مدیران در یک نظام اسلامی است، بررسی دیدگاه اسلام در خصوص ضرورت‌های اعمال مدیریت ریسک در امر تصمیم‌گیری، حائز اهمیت است. از سوی دیگر، و در پی استنباط لزوم کاربرد مدیریت ریسک، شناخت انواع ابزارهای موجود، حدود استفاده و بررسی مشروعیت آن‌ها، از دیدگاه آموزه‌های اسلامی نیز ضرورت می‌یابد. ماهیت تحقیق حاضر از نوع اکتشافی است که به روش فلسفی یا عقلی به دنبال تشریح دو مساله مطروحه می‌باشد. بدین ترتیب، ابتدا به تبیین ضرورت‌های مدیریت ریسک و سپس چارچوب‌های واکنش به ریسک از دیدگاه اسلام پرداخته خواهد شد.

ضرورت مدیریت ریسک از دیدگاه اسلام

دیدگاه اسلام پیرامون مدیریت دیدگاه ویژه‌ای است. مدیران اسلامی، به عنوان خدمتگزاران مردم و جامعه تلقی می‌شوند. سمت مدیریت نباید به‌عنوان وسیله‌ای جهت تامین امیال و هوای نفسانی و ابراز فخر و نردبان ترقی و ثروت‌اندوزی تلقی گردد. بنابراین، بینش اسلام راجع به مدیریت، این است که مدیریت امانت، تکلیف، خدمت و هدایت می‌باشد (احمدی به نقل از تقوی دامغانی، ۱۳۹۲، ۶۰). امانت بودن مدیریت حاکی از آن است که مسند مدیریت از دیدگاه اسلام امانتی است که به مدیر سپرده می‌شود و او باید از این مقام که به‌عنوان امانت در دست دارد، شدیداً مراقبت نماید و امانت را بر طبق معیارهایش امانت‌دار باشد. حضرت علی (ع) در این خصوص خطاب به یکی از فرمانداران می‌فرماید: مدیریت و حکمرانی برای تو طعمه نیست بلکه آن مسوولیت در گردن تو امانت است و کسی که از تو بالاتر است از تو خواسته که نگرهبان آن باشی (احمدی به نقل از نهج البلاغه، ۱۳۹۲، ۶۰). بطور خلاصه می‌توان مدیریت اسلامی را به‌صورت "شیوه به‌کارگیری منابع انسانی و امکانات مادی، برگرفته از آموزه‌های اسلامی برای نیل به اهداف متأثر از نظام ارزشی اسلام است" تعریف نمود (اژدری، ۱۳۸۸، ۱). اداره منابعی که در قالب دارایی‌های شرکت در اختیار مدیر قرار می‌گیرد امانتی است که از سوی تامین‌کنندگان اعم از سهامداران یا اعتبار دهندگان نزد وی می‌باشد. تصمیم‌گیری مدیر در خصوص بکارگیری منابع در جهت حفظ منافع و خلق ارزش برای هر یک از گروه‌های ذینفع وظیفه خطیری است که مستلزم برخورد منصفانه و علمی است. وظیفه دینی و وجدانی شخصی که مسوولیت مدیریت را می‌پذیرد، این است که قدرت و توانایی روحی را در برابر تمایلات شخصی که با قلمرو مدیریت در تضاد است، بسنجد. اگر خود را انسان با اراده، پابرجا و نشکن یافت، با توکل به عنایت الهی، این وظیفه سنگین را بپذیرد، در غیر این صورت در

این وادی خطرناک گام نگذارد (صرفه جو، ۱۳۸۸، ۲). روزی که از طرف عزیز مصر به حضرت یوسف (ع) پیشنهاد قبول مسوولیت و پذیرفتن مدیریت داده شد، حضرت یوسف، پس از پذیرش این مسوولیت، می‌فرماید: مرا بر خزائن و دارایی‌های مملکت مدیر کن زیرا من از دو ویژگی؛ امانتداری و دانش لازم برخوردارم (احمدی به نقل از قرآن مجید، ۱۳۹۲، ۶۰).

قرآن کریم در چند آیه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر وجود وضعیت عدم اطمینان در کوشش‌ها و تصمیم‌های انسان صحنه گذاشته و تصمیم‌گیری وی را در این وضعیت جایز می‌شمرد؛ به طور مثال آیه ۱۸۸ سوره اعراف آیه‌ای است که با مفاهیم مالی و سرمایه‌گذاری هم‌گرایی زیادی دارد. خداوند متعال در این آیه به پیامبر اکرم می‌فرماید: (قل لا املک لنفسی نفعاً و لا ضراً الا ما شاء الله و لو كنت اعلم الغیب لاستکثرت من الخیر و ما مسنی السوء ان انا الانذیر و بشیر لقوم یؤمنون؛ ای پیامبر بگو من برای نفس خودم مالک هیچ نفع یا ضرری جز آن چه خدا بخواهد نیستم، و اگر من غیب می‌دانستم، سود بسیار می‌بردم و هیچ بدی به من نمی‌رسید، من جز بیم‌دهنده و بشارت دهنده‌ای برای گروهی که ایمان می‌آورند، نیستم)، (اعراف، ۱۸۸). بنابر تفسیر المیزان از این آیه: (علم غیب به طور ذاتی و بالاصاله فقط از آن خدای متعال است و غیر او، از انبیاء هر کس به آن مقداری از غیب احاطه دارد که خداوند به او تعلیم کرده باشد، چون غیر خدا وجودش محدود است و ممکن نیست که به عالم غیب محیط شود. ولی از آن‌جا که سوال کنندگان از رسول خدا (ص) مردمی عامی و قاصر از درک این معانی بوده‌اند، لذا خداوند جواب ایشان را در خور فهمشان می‌دهد و می‌فرماید: علم غیب آدمی را به تمامی خیر و شرها آگاه می‌سازد و اگر پیامبر علم غیب داشت تمامی خیرات را برای خود می‌طلبید و همه شرور را از خود دفع می‌نمود، در حالی که چنین نمی‌کند). در قسمتی از تفسیر نمونه از این آیه نیز آمده است که: (شکی نیست که هر انسانی می‌تواند برای خود منافی کسب کند و یا از خویشتن ضررهایی را دور سازد، ولی با این حال، همان‌گونه که می‌بینیم، در آیه فوق مطلقاً این قدرت و توانایی بشر نفی شده است، و این به خاطر آن است که انسان در کارهای خود، قدرت و نیرویی از خویش ندارد بلکه همه قدرت‌ها از ناحیه خدا است و او است که این توانایی‌ها را در اختیار آن‌ها گذاشته است).

واژه غیب در این آیه کریمه دلالت بر عدم آگاهی و اطمینان نسبت به وضعیت آینده دارد، به این معنا که هر آن‌چه از افزایش سود یا کاهش زیان بیان می‌شود همگی براساس پیش‌بینی و پیش‌گویی مبتنی بر معلومات اجمالی تصمیم‌گیرنده است. این آیه بیانگر فرضیه عدم اطمینان در حوزه سرمایه‌گذاری است و به روشنی از وضعیت وجود ریسک در تصمیم‌های مالی و لزوم تصمیم‌گیری در این فضا سخن می‌گوید.

در کنار آیات مرتبط با وجود عدم اطمینان در تصمیم‌گیری، بسیاری از آیات قرآن کریم مبتنی بر مدیریت ریسک برای جلوگیری از ایجاد بحران است. به طور مثال خداوند در آیات ۴۳ تا ۵۵ سوره یوسف مدیریت ریسک را به طور کامل شرح می‌دهد. حضرت یوسف(ع) به دلیل برخورداری از علم تعبیر خواب، از خشکسالی که در آینده گریبان‌گیر مصر می‌شود، خبر می‌دهد و به نوعی پیشگویی براساس رویا می‌پردازد. سپس برای مدیریت بحران، پیش‌بینی‌های علمی را انجام می‌دهد و به پادشاه مصر می‌گوید که در مدیریت بحران می‌بایست همه دستگاه‌های دولتی و مردمی بسیج شوند تا با کشت و انبار کردن محصولات در اشکال گوناگون از این بحران به سلامت عبور کرد و اوضاع را مدیریت نمود.

نمونه دیگری از مدیریت ریسک در آیات قرآن به جنگ احزاب (احزاب، آیات ۹ تا ۲۷) بر می‌گردد. کندن خندق و گودال دور شهر، مبارزه با شایعه‌پراکنی، تهدید دشمنان داخلی از منافقان و یهودیان و ایجاد رعب در دل‌های آنان، از جمله تدابیری بود که پیامبر برای عبور از بحران اندیشیده بود. می‌توان از آیه ۸۲ سوره کهف نیز به عنوان آیه‌ای دیگر در زمینه مدیریت ریسک نام برد؛ (و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود و زیر آن دیوار، گنجی برای آن دو بود و پدرشان مردی صالح بود. پس پروردگارت اراده کرد که آن دو به حد رشد (و بلوغ) خود برسند و گنج خویش را که رحمتی از سوی پروردگارت بود استخراج کنند و ...). بنابراین تفسیر نور در این آیه حکمت ترمیم دیوار مخروبه‌ای که زیر آن گنجی پنهان است نمونه‌ای از مدیریت ریسک در اموال یتیمان است چراکه کودکان یتیم به حد بلوغ فکری نرسیده بودند و این خطر وجود داشت که دیگران گنج آن‌ها را با فریب از دستشان بگیرند (وبسایت قرآن پژوهی مالی و حسابداری، دکتر تفتیان) علاوه بر آیه‌های قرآنی، در برخی روایت‌ها هم مشاهده می‌شود که به مسئله ریسک و اهمیت آن پرداخته شده است. امام رضا (ع) نقل می‌کند: "مردی نزد امام صادق (ع) آمد و به عنوان نصیحت گفت: ای ابوعبدالله چرا سرمایه‌هایت را پخش کرده‌ای، اگر آن‌ها را یک‌جا سرمایه‌گذاری می‌کردی هم کم‌هزینه‌تر بود و هم سودآورتر. امام صادق (ع) در پاسخ فرمود: سرمایه‌ها را توزیع کردم تا اگر به یکی آسیبی رسد دیگری از آسیب محفوظ بماند و به این ترتیب، مجموع سرمایه حفظ می‌شود" (کلینی، ۱۳۶۵، ۵ و ۹۱).

روایت فوق به وضوح بر بحث تنوع‌بخشی در سرمایه‌گذاری‌ها و کاهش ریسک پرتفوی دلالت دارد (مصباحی‌مقدم و صفری، ۱۳۸۹، ۲۷-۱۲۵). امیرالمومنین علی (ع) می‌فرماید، دانستن مردم کسی است که آینده را بهتر ببیند. همچنین آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید، در عزم‌ها و تصمیماتی که در مورد آن‌ها دقت کافی انجام نشده است، خیری نیست.

محمد حمزه‌ای (۱۳۹۲)، در مقاله خود به این نتیجه رسید که براساس آموزه‌های قرآنی و روایی، ریسک‌پذیری رفتاری است که می‌بایست در ترازوی عقل و وحی قرار داده شود و با توجه به معقول بودن میزان هدف و خطر، اقدام به خطر کرد و گرنه از مصادیق انداختن نفس در هلاکت است که در آیه ۱۹۵ سوره بقره از آن نهی شده است. در تحقیقی دیگر اقبال و همکاران (۲۰۱۲)، به تحلیل مقایسه‌ای تاریخ نظری و تجربی مدیریت ریسک در دو نظام مالی متعارف و اسلامی می‌پردازند. ایشان علاوه بر تاکید بر فواید و کاربردهای مختلف مدیریت ریسک در مالیه اسلامی در مقایسه با نظام مالی متعارف، نوعی رابطه بین نظام مالی سرمایه‌داری و نظام مالی اسلامی را ارائه می‌کنند. یاغی (۲۰۰۸) با مطالعه بر روی ۹ مؤسسه غیرانتفاعی (مسلمان، مسیحی و هندو در امریکا) اثر آموزه‌های مذهبی را بر تصمیم‌گیری افراد در وضعیت عدم اطمینان بررسی کرده است. براساس یافته‌های وی، ارزش‌های مذهبی در سطح سازمان، باعث پدید آمدن فرهنگ سازمانی می‌شود و فراگرد تصمیم‌گیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اکبریان و دیانتی (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای به این نتیجه رسیدند که در بانکداری بدون ربا، بانک‌ها برای دریافت و تخصیص منابع باید براساس چارچوب‌های معین که شریعت آن‌ها را مشخص کرده، عمل کنند؛ در نتیجه از پیش، نرخ ثابتی را نمی‌توانند در نظر بگیرند و نرخ آن، پس از بررسی عملکرد در قالب یکی از عقود اسلامی مشخص خواهد شد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد، مدیریت ریسک در بانکداری بدون ربا، نسبت به بانکداری ربوی، اهمیت بیشتری دارد (غفاری، ۱۳۹۲).

السویلیم (۲۰۰۶)، به بررسی مقوله تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان از دیدگاه اسلام و با رویکردی اسلامی می‌پردازد. وی با تفکیک قائل شدن بین ریسک و شانس چنین نتیجه‌گیری می‌کند که گرچه اسلام با شانس و قمار مخالف است؛ اما با ریسک و تحمل آن و در نتیجه دریافت پاداش موافق است.

زتی (۲۰۱۳) با مقایسه دو زمینه مالی اسلامی و مالی متعارف در دنیا نتیجه می‌گیرد که ریسک شخصی و نهادی در مالی اسلامی کمتر از ریسک موجود در مالی متعارف است و مالی اسلامی توانایی تامین رشد اقتصادی جوامع را داراست.

ذاکرنیا و علیزاده (۱۳۹۶) در پژوهشی قرآنی از نوع توصیفی-تحلیلی، آیات قرآن کریم که به تبیین جایگاه و اهمیت مال و شرایط تصرف در مال می‌پردازند در کنار مبانی اقتصاد مالی مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از رعایت عدالت اجتماعی، خلیفه الهی انسان، لزوم وفای به عهد، لزوم حاکمیت اخلاق اسلامی، لزوم استفاده صحیح از مال و ندادن آن به سفیه و اصل لاضرر در معاملات است که نهادهای اقتصادی و مالی را به اعتبار سنجی دقیق مشتریان با هدف کاهش ریسک اعتباری ملزم می‌کند.

نکته دیگر لزوم انطباق پذیری نهادهای مالی اسلامی با استانداردهای بین‌المللی از جمله موارد مربوط به مدیریت ریسک است. گسترش ارتباطات و مبادلات بین‌المللی باعث گردیده صنعت مالی اسلامی به عنوان بخشی از بازارهای مالی بین‌الملل تحت تاثیر استانداردهای بین‌المللی قرار گیرد. مطابقت با این استانداردها تا حد امکان موجب افزایش اعتبار نهادهای مالی اسلامی و در نتیجه افزایش رشد و ثبات این صنعت خواهد شد (موسوی بیوکی و خادم‌الحسینی، ۱۳۸۷).

بنابر آنچه اشاره شد در بینش اسلامی، مدیریت به عنوان یک حق برای فرد تلقی نمی‌شود. بلکه یک تکلیف است. حق به معنای بهره‌مندی، استفاده و سود بردن است، اما تکلیف، ادای دین و وظیفه است. از سوی دیگر، مدیریت در اسلام به عنوان هدایت جامعه و افراد، جهت رشد و بالندگی و تکامل و حرکت به سمت خدا تلقی می‌شود. فعالیت‌های مدیریت ریسک به سمت اهداف خاصی هدایت می‌شوند (ویلیامز و هاینز). بقا، صرفه‌جویی، کاهش سطح نگرانی و اضطراب، ثبات عایدات، عدم توقف عملیات، رشد مداوم، و مسؤولیت اجتماعی یا سودمند بودن، در زمره مهم‌ترین اهداف مدیریت ریسک می‌باشند (غفاری، ۱۳۹۲).

واکنش به ریسک از دیدگاه اسلام

با داشتن اطلاعاتی درباره ریسک‌های مربوط و ارزیابی شده، مدیریت واکنشی را که در برابر آن‌ها خواهد داشت تعیین می‌نماید. واکنش‌ها شامل اجتناب، کاهش، توزیع و پذیرش ریسک می‌باشند. بر این اساس، مدیریت با توجه به درجه احتمال رخداد ریسک و اثر آن و نیز با توجه به هزینه و منفعت، راهکار مناسبی را انتخاب می‌کند و بدین ترتیب ریسک باقی‌مانده را در حدود قابل قبول حفظ می‌نماید. مدیریت با توجه به فرصت‌های موجود و در نظر گرفتن پرتفویی از ریسک‌های مشاهده شده، تلاش می‌کند ریسک باقی‌مانده را حداکثر تا سطح اشتباهی ریسک واحد تجاری حفظ نماید (کمیته کوزو، ۲۰۰۴). در این بخش از مقاله به بررسی راهکارهای مذکور از دیدگاه اسلام خواهیم پرداخت. ابتدا دو راهکار اجتناب و پذیرش ریسک مورد توجه قرار می‌گیرد. سپس اقدامات کاهش و توزیع بررسی خواهند شد.

اجتناب یا پذیرش ریسک از دیدگاه اسلام

بنابر آنچه درباره اجتناب و پذیرش ریسک گفته شد، خروج از فعالیت دارای ریسک را واکنش اجتناب و عدم هیچ‌گونه اقدامی که بر احتمال وقوع و اثر رویداد موثر باشد، پذیرش ریسک خوانده می‌شود. تصمیم‌گیری راجع به هر یک از این دو نوع واکنش به ریسک، با ملاحظاتی همراه است.

براساس تئوری نمایندگی، رابطه بین سهامداران و مدیران، رابطه نمایندگی نامیده می‌شود. براساس این رابطه، مالک یک دارایی، فرد دیگری را استخدام می‌کند تا حافظ منافع وی باشد. در هر رابطه نمایندگی، امکان بروز تعارض بین منافع مالک و نماینده وجود دارد. این تعارض مساله نمایندگی نامیده می‌شود. برای درک متفاوت بودن اهداف مدیریت و سهامداران فرض نمایید که شرکت با فرصت سرمایه‌گذاری در یک طرح جدید با اثر مثبت بر ارزش سهام روبه‌رو است. اما این سرمایه‌گذاری ریسک هم دارد. ممکن است سهامداران مایل به اجرای طرح مذکور باشند، چون اجرای آن ارزش سهام آنان را افزایش می‌دهد، اما مدیریت با اجرای آن مخالفت کند، چون با توجه به احتمال بروز شرایط ناگواری که با اجرای این طرح همراه است، ممکن است مدیران جایگاه و شغل خود را از دست بدهند. اگر هم مدیریت طرح را اجرا نکند، این احتمال وجود دارد که سهامداران فرصت ارزشمندی را از دست بدهند. این مثال نمونه‌ای از اجتناب از ریسک است که در بردارنده هزینه‌های نمایندگی است. از سوی دیگر ممکن است مدیران به دنبال افزایش ثروت و قدرت سازمانی خود باشند. لذا برای رسیدن به این هدف، بیش از حد بر افزایش اندازه شرکت یا رشد آن تاکید کنند تا منابع بیشتری را تحت کنترل خود در آورند. امروزه پرونده‌های قضایی زیادی وجود دارد که در آن‌ها مدیران متهم به پرداخت مبالغ هنگفت برای خرید شرکت‌های دیگر هستند و انگیزه آن‌ها از انجام این کار، صرفاً افزایش اندازه شرکت یا اعمال قدرت در شرکت عنوان شده است (جهانخانی و شوری، ۱۳۹۱). نکته اخیر نیز مثالی از پذیرش ریسک توسط مدیران شرکت در جهت منافع خود و به ضرر سهامداران است. در ادامه بحث به پذیرش یا عدم پذیرش ریسک از دیدگاه اسلام خواهیم پرداخت.

ریسک در مالی اسلامی و نیز مالی متعارف، نوعی چالش تلقی می‌شود. اصل اول سرمایه‌گذاری می‌گوید کسی که خود را در معرض ریسک قرار نمی‌دهد، به سودآوری نیز نمی‌رسد. در سطح اقتصاد کلان نیز همین امر صادق می‌باشد. به نظر کارشناسان امور اقتصادی بدون پذیرش ریسک نمی‌توان انتظار رشد اقتصادی داشت. از سوی دیگر، عدم وجود ریسک، موجب از دست رفتن انگیزه‌ها می‌شود و کارایی اقتصادی را نیز به مخاطره می‌اندازد. بنابراین، برای رشد اقتصادی ناگزیر از پذیرفتن ریسک هستیم، اما ریسک بیش از حد هم می‌تواند جزء موانع سرمایه‌گذاری باشد و رشد اقتصادی را نیز مختل نماید. لذا پرسشی که مطرح می‌شود این است که؛ چگونه می‌توان بین این دو به تعادل رسید؟ پاسخ مالیه اسلامی به این سوال در قالب یک نگرش کلی ارائه می‌شود. سرمایه‌گذاران در زمان ورود به معاملات انتفاعی قادر به تفکیک ریسک از تملک کالاها و خدمات واقعی نمی‌باشند. دلیل این مسأله مطلوب بودن ریسک در این نوع معاملات نیست، بلکه در حقیقت، علت کاملاً نامطلوب بودن این نوع ریسک می‌باشد. لذا راهبرد مدیریت اثربخش ریسک

تلفیق و به کارگیری آن در فعالیتهای واقعی است. بدین ترتیب، ریسک بطور ذاتی بوسیله اقتصاد واقعی کنترل خواهد شد. در ضمن، این مسأله، به عنوان انگیزه‌ای برای فعالیتهای واقعی در جهت تولید ثروت محسوب می‌شود تا از این طریق بتوان پذیرش ریسک را جبران کرد. با توجه به ویژگی انگیزشی این اقدام در جهت رشد اقتصادی، راهبرد فوق موجب می‌شود که دو هدف خلق ارزش و کمینه کردن ریسک به صورت همزمان حاصل شوند.

غفاری (۱۳۹۲) بیان می‌دارد: "براساس آموزه‌های دینی و اسلامی شامل آیات قرآن کریم، روایات معصومین (ع)، رفتار انبیاء و ائمه (ع) و مبانی و قواعد فقهی موجود در کتب شیعه، دریافته‌ایم که اقدام به ریسک در اسلام امری جایز و حتی در برخی موارد لازم می‌باشد. همچنین، براساس نظر متفکرین اسلامی، غیرقابل اجتناب بودن، غیر مهم بودن (کمتر بودن احتمال شکست از احتمال موفقیت) و غیر عمدی بودن (هدف ریسک نیست بلکه خلق ارزش است)، شرایط ریسک قابل تحمل از دیدگاه اسلام می‌باشد. از سوی دیگر، براساس یافته‌های تحقیق انجام شده، خلق ارزش، لازمه مشروع بودن ریسک از دیدگاه اسلام می‌باشد و اسلام ریسک مفید، مولد و قابل کنترل در امور مالی مشروط به ایجاد ارزش جدید را تجویز می‌نماید."

مصباحی مقدم و صفری (۱۳۸۹) به این نتیجه دست یافتند که با توجه به آموزه‌های اسلامی، تحمل ریسکی قابل قبول است که اولاً مفید، ثانیاً مولد و ثالثاً قابل کنترل باشد. ایشان تأکید می‌نمایند ریسک مفید، مولد و قابل کنترل در فقه امامیه دارای ارزش است و تحمل‌کننده آن مستحق دریافت مابه‌ازا است و همچنین هر شخصی ریسک بیشتری متحمل شود، می‌تواند مستحق دریافت درآمد بیشتری باشد. تحقیقات دیگری در زمینه پذیرش ریسک انجام شده است. بکتاش (۱۳۹۱)، با هدف بررسی مشروعیت درآمدزایی ریسک و رابطه بین تغییرات ریسک با تغییرات درآمد، شش قاعده و حکم شرعی را به عنوان زیربنا مورد تحلیل قرار می‌دهد. در این تحقیق علاوه بر حکم شرعی حرمت ربا، قواعدی چون تابعیت خراج از ضمان، تابعیت منفعت از ضرر، عدم استحقاق سود دارائی ضمانت نشده و تلازم بین منفعت و خسارت، روبناهای تحلیل را تشکیل می‌دادند. وی در ادامه نتیجه‌گیری می‌کند که وجه مشترک این روبناهای ایجابی و سلبی، این است که ریسک می‌تواند منشأ درآمد باشد و جهت تغییرات آن‌ها همسو است. استخراج مشروعیت درآمدزایی ریسک و رابطه مثبت بین میزان ریسک با درآمد در فقه امامیه، نتیجه استفاده از روش کشفی شهید صدر با گذر کردن از مدلول مطابقی ادله به سمت مدلول التزامی آن‌ها به عنوان قواعد زیربنایی در نظام مالی اسلامی است. این قاعده، می‌تواند بسیاری از طراحی‌های نظام مالی اسلامی را تحت تأثیر خود قرار دهد.

باید توجه داشت که دو قاعده مشروعیت درآمدزایی ریسک و رابطه مثبت ریسک با درآمد، بدون محدودیت نیست. گستره این دو اصل موضوعه، به وسیله نصوص قمار، محدود می‌شود (بکتاش، ۱۳۹۱). بر این اساس، مشروعیت درآمدزایی ریسک و مخاطره، اختصاص به ریسک و مخاطره تجاری دارد و شامل ریسک و مخاطره قماری نمی‌گردد.

امیر مؤمنان علی (ع) در نامه خود خطاب به مالک اشتر راجع به رعایت حال بازرگانان چنین می‌فرماید: "سپس سفارش مرا درباره بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر، و درباره آنان به نیکوکاری سفارش کن، چه بازرگانی که در شهر ساکن هستند یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن هستند و بازرگان‌هایی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند، چرا که منابع اصلی منفعت و پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش و آورندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشوار، بیابان‌ها، دریاها، دشت‌ها و کوهستان‌ها، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی‌کنند یا برای رفتن به آن‌جاها شجاعت ندارند، هستند" (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

از مضمون کلام امیر مؤمنان چنین برمی‌آید که چون بازرگانان در راه کسب مال، مخاطره‌های فراوانی را به جان می‌خرند، مستحق پاداش هستند که این پاداش در رعایت حال آنان به وسیله حاکم تجلی می‌یابد. آخرین استدلال درباره جواز پذیرش ریسک به وسیله اسلام مربوط به عقل و سیره عقلا است. عقل به عنوان یکی از چهار منبع استخراج احکام یا به عبارت گویاتر، ابزار توانمند فقیه در استنباط احکام از منابع، می‌تواند مرجعی موجه برای استدلال باشد. اهمیت عقل درباره استنباط احکام به قدری است که در روایت آمده است: "ملاک امر، عقل است" یا در جایی دیگر می‌فرماید "دین را جز عقل اصلاح نمی‌کند" (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶). بنابراین عقل و سیره عقلا می‌تواند در جایگاه خط راهنمایی در استنباط آموزه‌های شریعت مورد استفاده قرار گیرد. لذا باید گفت که کسب درآمد بیش‌تر در برابر تحمل ریسک بیش‌تر از نظر عقلی امری پسندیده است، همان‌طور که سیره عقلا هم چنین ادعایی را تأیید می‌کند. سفر بازرگانان جهت کسب سود و پذیرش مخاطره سفر، از جمله مصداق‌های سیره عقلا است که تحمل ریسک به منظور کسب درآمد بیش‌تر را تأیید می‌کند (مصباحی مقدم و صفری، ۱۳۸۹).

کاهش یا توزیع ریسک از دیدگاه اسلام

برای مدیریت انواع ریسک روش‌های متفاوتی نیز وجود دارد. به عنوان مثال صاحبان مشاغل خرد و یا خانوارها برای مدیریت ریسک ناشی از سرقت و یا آتش‌سوزی از بیمه اموال استفاده می‌کنند. بنابراین انواع بیمه برای موارد مختلف را می‌توان نوعی مدیریت ریسک نامید. انعقاد قراردادهای مختلف بین خریداران و فروشندگان نوع دیگری از مدیریت ریسک است که از طریق آن قیمت و

کیفیت کالای مورد معامله مشخص می‌گردد. ابزارهای مدیریت ریسک براساس ابزارها و قراردادهای تعریف شده مالی، مشارکت‌کنندگان بازارهای مالی را به یکدیگر معرفی و با روش‌های استاندارد ریسک را بین دو گروه توزیع می‌کند. شخصی که شرایط ثبات را می‌پسندد، شرایط ثبات را خریداری می‌کند و بابت آن هزینه مشخصی را می‌پردازد، در مقابل کسی که ریسک را خریداری کرده، شرایط عدم اطمینان را می‌پذیرد، در مقابل آن بهای ثابتی نیز دریافت می‌کند. به عبارت دیگر یک طرف در قبال دریافت هزینه‌ای ثابت، طرف دیگر را در مقابل ریسک‌های خاصی بیمه می‌کند. هر یک از ابزارهای مدیریت ریسک با شیوه‌ای خاص فرایند توزیع ریسک را انجام می‌دهند. قراردادهای بیمه‌های آتی شرکت‌ها را در مقابل ریسک آتی مصون می‌دارند. این گروه از قراردادهای نرخ‌های ثابت و شناور آتی را با یکدیگر مرتبط می‌سازند و به طرفین قرارداد اجازه می‌دهند تا این نرخ‌ها را به یکدیگر تبدیل کنند. قرارداد اختیار معامله، این اختیار را به شرکت می‌دهد تا یک طرف ریسک را برای خود بپوشاند. به همین دلیل، بهای قرارداد اختیار معامله بیشتر از قرارداد آتی خواهد بود. ابزار دیگر رایج در بازارهای مالی، قرارداد تاخت است که براساس آن نرخ‌های شناور برای تحویل‌های آتی معاوضه می‌گردند و بدین صورت ریسک ناشی از تغییر نرخ آتی قابل کنترل می‌شود. سایر ابزارهای مدیریت ریسک با ابزارهای مشتقه نیز بدین صورت و با روشی خاص، انتقال ریسک را به عهده دارند. در جامعه ما که قوانین اسلامی بر کلیه شئون اجتماعی نظارت عالی‌ه دارد، مهندسی مالی چهره جدید و تخصصی‌تری به خود می‌گیرد و با عجزین شدن با اصول اقتصاد اسلامی می‌تواند ابزارهای جدیدی طراحی کند. تاکید اسلام بر ممنوعیت سود ربوی و همچنین سهیم شدن در ریسک، ساختار ویژه‌ای به مباحث ابزارسازی و نوآوری‌های مالی داده است (راعی و سعیدی، ۱۳۸۵).

مدیریت اسلامی بایستی ارزش اسلامی را نهادینه سازد که در آن، نهادها و موسسات مالی بر بنیانی غیرربوی ایجاد گردند (جاسبی و همکاران، ۱۳۸۰). استفاده از ابزارهای مالی بسیار ارزشمند ولی نیازمند دقت بالا است. اغلب صاحب‌نظران حوزه مدیریت ریسک بر این باورند که در سال‌های بین دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ میلادی، پدیده نوآوری‌های مالی، ابزارهای بسیاری عرضه کرد و برخی از آن‌ها، بازارهای مالی را به مکان‌های قمار و سفته بازی تشبیه کردند که سفته‌بازان در آن مدام ابزارهایی را گسترش و توسعه می‌دادند تا حس سفته بازی خود را ارضا کنند، اما برخی دیگر معتقدند ابزارهای مالی را می‌توان در جهت مدیریت و کنترل ریسک به کار برد و البته قابل استفاده برای مقاصد سفته بازی می‌باشد. در ادامه براساس تحقیقات صورت گرفته به بررسی هر یک از ابزارهای مذکور از دیدگاه اسلام خواهیم پرداخت.

سلیمان پور (۱۳۸۲) به بررسی قراردادهای مالی جدید در اسلام می‌پردازد. وی در این تحقیق نتیجه‌گیری می‌کند اگرچه که اصل اولیه در شرعیت و صحت عقود جدید و نامعین، فساد و بطلان است، با ورود عمومات به ویژه عموم آیه... اوفوا بالعقود... اصل مزبور منقلب شده و شرعیت و صحت عقود مزبور اثبات می‌شود. در عین حال، ادله دیگری برای اثبات صحت عقود جدید اقامه شده یا می‌توان اقامه کرد، اما عموم آیه مزبور به جهت مشروع بودن و استحکام آن، بر ادله دیگر ترجیح دارد و از همین‌رو، بیشتر فقیهان، منشا تغییر اصل اولیه فساد در معاملات و اثبات اصل لزوم و صحت معاطات و تصحیح عقود جدید را آیه مذکور می‌دانند و برخی فقط بدان بسنده کرده‌اند. وی در ادامه می‌نویسد، اشکالات مطروحه به دلالت بر آیه مزبور، هیچ یک وارد نبوده و همه قابل دفع و رفع است. لذا می‌توان گفت در صورت فساد عقود جدید و عدم پذیرش آن‌ها، نظام داد و ستد امروزی افراد و دولت‌ها و ملل با یکدیگر دچار عسر و حرج، و سبب اختلال سیستمی می‌شود؛ بنابراین به ناچار به سبب جلوگیری از این مفساد، باید صحت و شرعیت عقود جدید را پذیرفت. با اتکاء به صحت عقود جدید می‌توان پاره‌ای از ابهامات درباره روابط مبادلاتی امروزی بین مردم و ابهام منع شرعی را که به برخی از قراردادهای بین‌المللی که گاهی با برخی عقود معینه تشابه دارد، بر طرف، و از طرف دیگر، برخی از معضلات قانون‌گذاری را که بر سر راه مجلس و شورای نگهبان وجود دارد مرتفع کرد. سال‌ها پس از تحقیق فوق، در حال حاضر شاهد پذیرش و عرضه دو ابزار مهم اوراق فروش تبعی و قراردادهای آتی در بورس اوراق بهادار تهران و بورس کالا می‌باشیم. برخی از ابزارهای مدیریت ریسک مالی متعارف، منطبق بر نگرش اسلامی هستند. ابزارهای پوشش ریسک اسلامی عبارتند از: (۱) تنظیم دارایی و بدهی، (۲) پوشش ریسک دلتا، (۳) پوشش ریسک مشترک، (۴) پوشش ریسک طبیعی، (۵) تعدیل مشترک متقابل، (۶) مضاربه اعتبار محور، (۷) مشارکت یا فروش مؤجل، (۸) پوشش ریسک شخص ثالث، (۹) قیمت مؤجل متنوع شده، (۱۰) مضاربه مولدی، (۱۱) سلم دورگه ارزش محور (یوسفی، ۱۳۹۲).

برخی از صاحب‌نظران معتقدند اگر در بازار بورس اوراق بهادار تهران اوراق بهاداری همچون اوراق اختیار معامله و قراردادهای تحویل آتی طراحی و عرضه گردد؛ منافع زیر را در پی خواهد داشت:

- رفع نگرانی طرفین معامله از نوسان‌های قیمت کالاها، ارز و سهام (مصون‌سازی)
- امکان جذب منابع مالی جدید و مشارکت وسیع جامعه سرمایه‌گذار با توجه به طیف مختلف ریسک‌پذیری افراد.
- سرعت بخشیدن به تعدیل قیمت اوراق بهادار و تعادل بازار
- امکان مدیریت بهینه پرتفوی و مدیریت ریسک

- جلوگیری از نوسان‌های شدید بازار
- تعمیق بازار سرمایه و در نتیجه افزایش کارایی بازار از طریق تأثیرگذاری سریع اطلاعات بر قیمت‌ها (بت‌شکن، ۱۳۷۷)

اوراق اختیار معامله

فقه شیعه فقهی پویاست و از صدر اسلام تاکنون توانسته است خود را با پیشرفت تمدن هماهنگ سازد. بر همین اساس، در مسائل جدیدی همچون نظام بانکی، بیمه و بورس اوراق بهادار نیز بحث و بررسی‌های زیادی توسط فقها و حقوقدانان انجام شده و به منظور رفع مشکلات، فتاوا و نظرات فقهی ارزشمند خود را بیان نموده‌اند (مرادی، ۱۳۸۶).

عبیداله (۲۰۰۲) با بررسی قراردادهای اختیار معامله در نظام ربوی و غیر ربوی به این نتیجه رسید که به دلیل افزایش مطلوبیت دو طرف معامله در قرارداد های اسلامی و از بین رفتن بازی برد- باخت، استفاده از روش اختیار معاملات در نظام غیرربوی کارتر از نظام ربوی است.

کاتوزیان (۱۳۷۴) با ارائه تقسیم‌بندی حق به دو دسته مالی و غیر مالی، هر یک را به شرح زیر تعریف می‌نماید. بر این اساس، حق غیر مالی به عنوان امتیازی است که هدف آن وضع نیازهای عاطفی و اخلاقی انسان است، این حق غیر قابل تقویم بر مبنای پول و غیر قابل انتقال می‌باشد. در طرف دیگر، حق مالی امتیازی است که به منظور تأمین نیازهای مادی اشخاص به آن‌ها اعطا می‌گردد. این قسم از حق برخلاف حق غیر مالی قابل معامله و تقویم به پول است؛ برای مثال حق مالکیت، که قابلیت انتقال و داد و ستد دارد. حق مالی خود بر دو نوع است: ۱) حق عینی که شخص به طور مستقیم و بدون واسطه نسبت به چیزی پیدا کرده و می‌تواند از آن استفاده کند. کامل‌ترین نوع آن حق مالکیت است. ۲) حق دینی یا شخصی است که به موجب آن شخص نسبت به شخص دیگر پیدا کرده و می‌تواند انجام کاری را از وی طلب نماید.

فطانت و آقاپور (۱۳۸۰) چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که بنا به تعاریف ارائه شده، اختیار معامله ماهیتاً نوعی حق مالی و از نوع حق دین می‌باشد. بدین صورت که در اوراق اختیار فروش، دارنده حق دارد دارایی خود را به هر فردی که می‌خواهد و به هر قیمتی که تمایل دارد و در هر زمان که تشخیص دهد به فروش رساند. نام تمام این حقوق را می‌توان "حق فروش" گذاشت. از سوی دیگر، فروشنده اوراق اختیار خرید، حق فروش دارایی خود را تا تاریخی معین و به قیمت مشخص به خریدار واگذار می‌کند، و خریدار با پرداخت وجهی معین، حق خرید دارایی را از فروشنده خریداری می‌کند.

نظر امام خمینی (ره) درباره حقوق مالی براین است که این حقوق هم قابل انتقال و هم قابل اسقاط می‌باشند و همچنین حق مالی می‌تواند در بیع، معاوضه گردد. بنابراین بطور خلاصه می‌توان گفت که اختیار معامله یک حق مالی قابل داد و ستد و همچنین قابل تقویم به پول است. فروشنده برگه اختیار معامله حق خرید یا فروش دارایی خود را تا تاریخ معین و به قیمت مشخص به دارنده اختیار معامله واگذار می‌نماید، و دارنده برگ اختیار معامله با پرداخت وجهی معین، حق خرید یا فروش دارایی مذکور را تا تاریخ معین و به قیمت مشخص از فروشنده خریداری می‌نماید. نکته قابل توجه این‌که اگرچه اختیار معامله شباهت‌هایی به قرارداد بیمه دارد ولی در قراردادهای بیمه طرفین نمی‌توانند حقوق خود را به شخص دیگری واگذار نمایند. بنابراین بهترین گزینه این است که اختیار معامله بعنوان حق مالی قابل داد و ستد تلقی شود. همانند حق تقدم خرید سهام عادی و یا حق استفاده از واریزنامه‌های صادراتی که در حال حاضر در بورس اوراق بهادار تهران معامله می‌شود و تعارضی با شرع مقدس اسلام ندارد (مرادی، ۱۳۸۶).

از سوی دیگر، اصل آزادی اراده مبنای قرارداد اختیار معامله در بازار اولیه است و چون این اصل مورد تأیید شرع و عرف و قانون قرار دارد تا وقتی مانعی مسلم برای نفوذ آن وجود نداشته باشد نمی‌توان در اعتبار آن شک کرد. از این‌رو است که هر انسانی حق دارد هر تعهدی را در حدود قانون بپذیرد. در بازار اولیه تعهد و التزام مدلول مطابقی قرارداد اختیار معامله است اما لازمه عقلی و شرعی چنین تعهدی پدید آوردن حق برای متعهدله است. در بازار ثانویه نیز همین حق و اختیار است که به صورت مالی با ارزش مکرر موضوع داد و ستد واقع می‌شود. برخلاف آن‌چه برخی تصور کرده‌اند اختیار خرید و فروش ناشی از قرارداد، حکم نیست بلکه حق مالی است که امکان واگذاری آن به دیگران، لازمه برخورداری انسان از اهلیت، اراده آزاد و حقوق مدنی است. اعتبار قرارداد اختیار معامله را صرف‌نظر از اصل صحت عقدها و قراردادها که از عموم‌هایی مانند (اوفوا بالعقود، احل الله البیع، تجارة عن تراض والمومنون عند شروطهم) ناشی است، از مشابهت کامل این نهاد حقوقی با نهاد سرقفلی که مورد تأیید شرع و قانون است نیز می‌توان استنباط کرد. افزون بر این، ذکر نام قرارداد اختیار معامله در فهرست اصطلاح‌های قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران و همچنین تجویز تصویب ابزارهای مالی جدید به وسیله شورای عالی بورس، خود موید اعتبار این قرارداد است. شناسایی این قراردادها در قانون و عدم تصریح به بطلان آن‌ها دلالت دارد که این نهاد از جهت قانونی و به تبع آن براساس اصل چهار قانون اساسی به لحاظ تأیید آن به وسیله شورای نگهبان از جهت شرعی نیز صحیح تلقی شده است (حسین‌زاده و شیروی، ۱۳۸۷).

قراردادهای آتی

یکی دیگر از انواع ابزارهای مالی قراردادهای آتی است که در حال حاضر در بازار سرمایه و نیز بورس کالای تهران داد و ستد می‌شود. سازوکار این ابزار مالی نیز بارها توسط محققین از دیدگاه اسلام و فقهی مورد بررسی قرار گرفته است. مرادی (۱۳۸۶) این قراردادها را با برخی عقود مقایسه نمود. بخش‌هایی از این بررسی مقایسه‌ای در ادامه ارائه می‌شود.

قرارداد تحویل آتی بعنوان عقد غیر معین (تعهد به بیع)

قرارداد تحویل آتی را می‌توان نوعی "سند تعهد به بیع" تلقی کرد که به موجب آن، یک طرف متعهد به فروش مورد معامله در زمان مشخص و در مقابل قیمت معین است و طرف دیگر متعهد به خرید همان مورد معامله در همان زمان و به همان قیمت می‌باشد. قرارداد تحویل آتی را نمی‌توان "بیع" تلقی کرد، زیرا در آن صورت، این "بیع" از نوع کالی به کالی است که مشهور فقهای شیعه آن را صحیح نمی‌دانند. ولی اگر به عنوان "سند تعهد به بیع" تلقی شود، می‌توان آن را قابل انتقال اعلام نمود. همچنین طرفین بعنوان شرط ضمن عقد می‌توانند اعلام و مقرر دارند که هر یک از آنان وجهی را نزد شخص ثالثی همانند "امین" بعنوان سپرده حسن انجام معامله قرار دهند و این مؤسسه براساس تغییرات قیمت مورد معامله، سپرده را روزانه تعدیل نماید و در صورت نیاز، این مؤسسه از طرفین درخواست تکمیل سپرده را بنماید. البته برخی از صاحب‌نظران معتقدند اگرچه قراردادهای تحویل آتی "سند تعهد به بیع" است ولی این تعهد الزام‌آور نمی‌باشد. به بیان دیگر، طرفین الزامی ندارند که به تعهد خود عمل کرده و معامله‌ای انجام دهند. بنابراین نباید مبلغی به عنوان وثیقه، ودیعه یا سپرده حسن انجام کار دریافت گردد. اگر برای هر یک از طرفین الزامی به انجام تعهد وجود داشته باشد، معامله باطل است. همچنین برگه قرارداد تحویل آتی قابل نقل و انتقال نیست و نمی‌توان آن را در بازار ثانویه به فروش رساند.

در سوی مقابل، گروه دیگری از صاحب‌نظران عقیده دارند که قراردادهای تحویل آتی بعنوان معاملات کالی به کالی تلقی نمی‌شود. اعتقاد بر این است که قبض و اقباض شرط لازم است و نه شرط صحت عقد، و هرگاه قبض و اقباض انجام شود، معامله صحیح است و موقعی که انشاء نمودند، بیع موجود شده است. اگر تقابض یا قبض و اقباض انجام نشود، بیع هست ولی بیع جایز هست و لازم نیست. یعنی هر یک از طرفین می‌توانند قرارداد را فسخ نمایند. بنابراین تقابض در مجلس مراحل بعدی است. در عین حال می‌توان با یک شرط ضمن عقد، شرط سقوط اختیار را گذاشت (عزیزی، ۱۳۷۷).

قرارداد تحویل آتی بعنوان عقد بیع ماجل

طبق این عقد، طرفین موافقت می‌کنند که بیع را با تاخیر انجام دهند و فروشنده و خریدار، به ترتیب مورد معامله و پرداخت قیمت را بر ذمه می‌گیرند. بنابراین قرارداد تحویل آتی یک بیع با تاخیر یا اصطلاحاً ماجل است. این بیع مطابق نظر شهید ثانی و با توجه به نظر حضرت امام خمینی (ره) بدون اشکال است. اصطلاحاً به این بیع، بیع نسبه به نسبه می‌گویند. با قبول بیع نسبه به نسبه، خرید و فروش دین اشکالی ندارد، با این شرط که به دین دیگری فروخته شده یا خریداری گردد.

قرارداد تحویل آتی بعنوان عقد صلح

به موجب این عقد، قرارداد تحویل آتی عبارت است از اسنادی که براساس آن طرفین معامله مصالحه می‌نمایند که یکی از آن‌ها بر ذمه می‌گیرد که در زمان مشخص متاع معمولی را به طرف مقابل تحویل دهد و دیگری بر ذمه می‌گیرد که مابه ازایی در مقابل دریافت متاع، پرداخت نماید. در این عقد، تحویل کالا در مقابل دریافت مابه ازای معلوم به صلح گذاشته می‌شود و شروطی متناسب با قرارداد تحویل آتی در این عقد لحاظ می‌شود. بعنوان مثال؛ می‌توان در این عقد، قابل انتقال بودن اسناد و موافقت برای ایجاد سپرده حسن انجام تعهد و تعدیل روزانه آن را گنجانند، بدون این‌که خللی به اصل عقد صلح وارد نمود. عقد صلح جز در مورد استثنائی که شارع مشخص نموده است، جایز است. لذا قرارداد تحویل آتی به عنوان یک "مصالحه" بدون هیچ شبهه‌ای قابل اجرا می‌باشد. در این معامله هر یک از طرفین پس از انجام عقد، صاحب یک دین و طلب مدت‌دار شده‌اند که قابل نقل و انتقال است. خرید و فروش دین به اجماع فقهای شیعه جایز است (حسینی چالستری، ۱۳۷۶).

بنابر مقایسه انجام شده، می‌تواند گفت عقد صلح مناسب‌ترین عقد جهت قراردادهای تحویل آتی است، زیرا در مواردی که در "بیع" مورد اختلاف فقها می‌باشد، در قالب "عقد صلح" می‌تواند مطرح گردد. به عنوان مثال به نظر حضرت امام خمینی (ره) معامله "دین به دین" در قالب عقد بیع باطل است ولی در قالب عقد صلح شرعی و صحیح است (مرادی، ۱۳۸۶).

قرارداد تاخت

معصومی‌نیا و الهی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای قرارداد تاخت کالا را از دیدگاه مالی اسلامی بررسی کردند. براساس تعریف، قرارداد تاخت کالا قراردادی است که به وسیله آن یکی از طرفین مجموعه پرداخت‌هایی را براساس قیمت برخی کالاهای پایه پدید می‌آورد و طرف دیگر مجموعه

پرداخت‌هایی را فراهم می‌سازد که ثابت بوده یا به وسیله قیمت متغیر دیگری تعیین شده است، این مبادله در دوره‌های زمانی معین صورت می‌گیرد. علت اصلی ابداع این نوع قرارداد تاخت وجود نوسان‌های قیمت است که برای مصرف‌کننده و تولیدکننده دغدغه بزرگی است و آرامش را از آنان سلب می‌کند؛ بنابراین در قرارداد تاخت کالا مجموعه پرداخت‌هایی که براساس قیمت برخی کالاها پایه پدید می‌آید در هنگام انعقاد قرارداد دو حالت دارد؛ یا پیش از انعقاد قرارداد پدید آمده یا بعد از انعقاد قرارداد پدید می‌آید. از دیدگاه فقهی حقوقی اگر قرارداد تاخت کالا را مصداق "بیع" بدانیم با مشکلات بیع معدوم و بیع غرری روبه‌رو است، همان‌طور که اگر مصداق "معاوضه" بدانیم با همین مشکلات روبه‌رو می‌شود؛ هرچند براساس مبنای مشهور ممکن است از غرری بودن پاسخ داد و اگر از باب تعهد در برابر تعهد بدانیم با مشکل ربا روبه‌رو می‌شود؛ بنابراین نتیجه نهایی این‌که قرارداد تاخت کالا به شکل رایج آن با مشکلات فقهی روبه‌رو بوده و قابل استفاده در بازارهای مالی اسلامی نیست و برای پرکردن نیاز پوشش ریسک باید از راهکارهای دیگری استفاده یا طراحی کرد. شریعت پناهی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی قرارداد تاخت نرخ ارز در فرآیند مدیریت ریسک ارز می‌پردازند. آن‌ها در این مقاله اظهار می‌دارند که قراردادهای تاخت از ابزارهای مشتقه اهمیت فراوانی داشته و استفاده وسیعی در بازارهای مالی دارند. از مهمترین انواع قراردادهای تاخت که کاربرد فراوانی دارد، قرارداد تاخت ارز است. از آن‌جا که بازار مالی در ایران در حال گسترش است، لازم می‌باشد تمام ابزارهای جدید با موازین فقهی ارزیابی شود. در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و اسنادی، قرارداد تاخت ارز از نظر فقهی و حقوقی بررسی شده و مصداق بودن آن برای قراردادهای بیع دین به دین، بیع کالی به کالی، بیع معدوم، معاوضه معدوم، قرض ربوی مورد توجه قرار گرفت و امکان تصحیح آن از راه عقد صلح، تعهد در برابر تعهد پرداخت جریان‌های درآمدی و تعهد در برابر تعهد بیع یا معاوضه دارایی‌های پایه ارزی بررسی شد. سرانجام قرارداد تاخت ارز از راه "تعهد در برابر تعهد بیع" یا "معاوضه دارایی‌های پایه ارزی" تصحیح شده است.

سایر ابزارها

اسناد خزانه

اسناد خزانه یکی از ابزارهای مهم در بازارهای مالی است. اگرچه هدف اولیه این اوراق تامین کسری بودجه دولت‌ها می‌باشد، ولی می‌توان کارکردهای مهم دیگری، از قبیل ابزاری برای سرمایه‌گذاری کوتاه مدت، معیاری برای تعیین نرخ بازارهای مالی و نوعی تسهیل‌کننده برای اجرای سیاست‌های پولی توسط بانک مرکزی، برای آن متصور بود که به همین علت حائز اهمیت بیشتر می‌گردد. با توجه به ماهیت ربوی اسناد خزانه سنتی، جایی برای کاربرد این اوراق در نظام مالی اسلامی وجود

ندارد. بر این اساس، طراحی یک ابزار مالی کوتاه‌مدت قوی و دارای ریسک سطح پایین که بتواند جایگزین مناسبی برای اوراق مذکور باشد، در نظام مالی اسلامی محسوس است. موسویان و همکاران (۱۳۸۹) با بررسی انواع اوراق خزانه اسلامی از جهت انطباق با موازین شرعی نشان دادند اگر دیون دولت به بانک‌ها، شرکت‌ها و موسسه‌های خصوصی و عمومی، ناشی از خرید کالاها و خدمات واقعی باشد، خرید و فروش آن‌ها براساس دیدگاه اکثر مذاهب اسلامی و قوانین ایران مجاز بوده و می‌توان برپایه آن‌ها به نام اسناد خزانه اسلامی منتشر کرد. در حال حاضر شاهد معاملات این اوراق در بازار سرمایه کشور می‌باشیم.

نظریه و صدایی (۱۳۹۶) به شناسایی و رتبه‌بندی ریسک‌های اسناد خزانه اسلامی در بازار اوراق بهادار ایران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که ریسک‌های نرخ سود بانکی، نقد شونددگی، تورم و نرخ ارز از منظر احتمال وقوع مهمترین نگرانی سرمایه‌گذاران در اسناد خزانه اسلامی است و از نظر شدت تاثیر نیز، نرخ سود بانکی، نقد شونددگی، اعتباری و تورمی به ترتیب با الوست بوده‌اند.

بیمه و اوراق بلائی طبیعی

سابقه بررسی و اظهارنظر در مورد دیدگاه دین راجع به مقوله بیمه بسیار طولانی است. از میان علمای شیعه، مرحوم سید محمد کاظم طباطبایی یزدی اولین فقیهی است که بیمه را به صورت کلی طرح و بررسی نمود. وی تنها به غیر شرعی بودن بیمه عمر فتوا داده است. از علمای سنی، اولین کسی که به تحریم شرکت بیمه فتوا داده ابن عابدین و اولین شخصیتی که به صحت آن فتوا داد، شیخ محمد عبده مصری است. فقهای معاصر شیعه هر کدام با بیانی اصل قرارداد بیمه را تعریف و تأیید کرده‌اند. امام خمینی (ره) بیان می‌دارد بیمه قرار و عقدی است بین بیمه‌گذار و مؤسسه، شرکت یا شخص بیمه‌گر که بیمه را بپذیرد، و این عقد مثل سایر عقود محتاج به ایجاب و قبول است و شرایطی که در موجب و قابل و عقد در سایر عقود معتبر است در این عقد نیز معتبر است و می‌توان این عقد را با هر لغتی و زبانی اجرا کرد. آیت الله سیستانی (مد ظله الشریف) می‌فرماید بیمه قراردادی است که طبق آن بیمه‌گذار متعهد می‌شود ماهانه یا سالانه و یا یکباره مبلغ معینی به بیمه‌گر بپردازد و در مقابل آن، بیمه‌گر متعهد می‌شود که به بیمه‌گذار یا شخص ثالثی که در قرارداد بیمه معین و قرارداد به نفع او منعقد شده است، مبلغی پول یا پرداختی ثابتی و هر عوض مالی دیگری، در صورت وقوع حادثه ای یا ضرری که در قرارداد بدان تصریح شده است، بپردازد.

اکثر فقهای اسلامی براین عقیده‌اند که الف و لام کلمه العقود در آیه شریفه... اوفوا بالعقود... استغراقی بوده و افاده عموم می‌نماید و با توجه به این که دین مبین اسلام دین جهانی است و احکام آن نیز کلیه مسلمانان جهان را شامل می‌شود بدین ترتیب نمی‌توان تصور کرد که منظور از "العقود" فقط معاملات و قراردادهای مرسوم در جزیره العرب و زمان شارع بوده باشد، بلکه لزوم وفای به عهد و پیمان، اختصاص به عقود زمان شارع نداشته بلکه هر نوع معامله و قراردادی را که دارای آثار حقوقی است شامل می‌گردد. بنابراین طرفین قرارداد الزامی ندارند که اراده خود را در قالب یکی از عقود شناخته شده فقهی متجلی سازند. عدم نهی شارع و عمومات ادله نیز برای مشروعیت کلیه قراردادهای بین مردم کافی است مگر این که صراحتاً از طرف شارع منع گردیده باشد و به هر حال اوفوا بالعقود، قرارداد بیمه را نیز که یکی از عقود مستحدثه و جدید می‌باشد و صراحتاً نیز مورد نهی واقع نگردیده است شامل خواهد شد و اشکالی در مشروعیت آن وجود نخواهد داشت (عرفانی، ۱۳۷۱).

بعلاوه بنا به نظر امام خمینی (ره) عقد بیمه مانند سایر عقود است و تمام شرایط سایر عقود در آن معتبر است. ایشان در رساله توضیح المسائل خود چنین فتوا داده‌اند: ظاهراً تمام اقسام بیمه صحیح می‌باشد با به کار بردن شرایطی که ذکر شد، چه بیمه عمر باشد و یا بیمه کالاهای تجاری، یا عمارات و کشتی‌ها و هواپیماها و یا بیمه کارمندان دولت و یا موسسات، یا بیمه اهل یک قریه یا شهر، و بیمه عقد مستقلی است و می‌توان آن را به عنوان بعضی عقود دیگر چون صلح اجرا نمود". سیف‌لو (۱۳۸۸) چنین نتیجه‌گیری می‌کند که با توجه به نظر اکثر فقهای معاصر، می‌توان بیمه را به عنوان یک عقد جدید و مستقل در نظر گرفت و براساس آن به بررسی تطبیقی اوراق بلایای طبیعی با عقد بیمه پرداخت. اوراق بلایای طبیعی، اوراقی هستند که ریسک فجایع و بلایای طبیعی را به سرمایه‌گذاران بازارهای سرمایه منتقل می‌کنند. این اوراق علی‌رغم تشابه اسمی خود با اوراق قرضه، اوراق قرضه نیستند. اوراق قرضه‌هایی که به صورت متعارف منتشر می‌شوند، قرض ربوی بوده و غیرشرعی هستند. همچنین اوراق بلایای طبیعی، علی‌رغم تشابه ساختاری به اوراق بهادار با پشتوانه دارایی از این نوع اوراق نیز نیستند. همان‌طور که اشاره شد اوراق بلایای طبیعی ابزاری برای انتقال ریسک هستند و موضوع اصلی آن‌ها مبادله ریسک است و از این رو می‌توان آن را برعقد بیمه که دارای موضوعی مشترک با این اوراق است، تطبیق کرد. اکثر فقهای معاصر بیمه را به عنوان یک عقد مستقل مشروع دانسته‌اند. تفاوت اوراق بلایای طبیعی با قراردادهای متعارف بیمه، ورود نهاد واسط در رابطه بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار است. همچنین در این اوراق، بیمه‌گران تعداد زیادی از سرمایه‌گذاران بازارهای سرمایه هستند و بیمه‌گذار یک شرکت واگذارنده است که در اغلب موارد یک شرکت بیمه‌ای است. این حد از تفاوت باعث تغییر ماهوی در قرارداد بیمه نمی‌شود. از این رو

می‌توان اوراق بلایای طبیعی را نیز نوعی قرارداد بیمه فرض کرد و با توجه به جواز فقهی عقد بیمه، حکم به جواز صدور این اوراق داد.

صکوک جهت انتقال ریسک

یکی دیگر از روش‌های توزیع ریسک در صنعت بیمه تبدیل به اوراق بهادار سازی ریسک بیمه است. در این روش، مبادله ریسک در بازار سرمایه جایگزین تعهدی می‌شود که در صنعت بیمه تحت عنوان بیمه اتکایی از سوی بیمه‌گر متعهد در قالب‌ساز و کارهای متعارف به بیمه‌گر اتکایی منتقل می‌شود. به همین ترتیب، شرکت بیمه اتکایی نیز می‌تواند در صورت تمایل اوراق بهادار بیمه‌ای مشابهی را منتشر نماید.

موسویان و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی ایزاری اسلامی برای انتقال ریسک از صنعت نفت به مشتریان صنعت بیمه و بورس اوراق بهادار ایران از طریق تبدیل ریسک به اوراق بهادار می‌پردازد. آن‌ها با ارائه یک ابزار نوین مالی به اسم بیمه اتکایی اسلامی بر مبنای فقه امامیه ادعا کردند که این ابزار می‌تواند خطرات ناشی از تحریم‌های نفتی صنعت نفت ایران را برای دولت تعدیل کند. با توجه به ماهیت ربوی اوراق بهادار بیمه‌ای متعارف، این اوراق در کشورهای اسلامی کاربرد ندارند. به همین جهت می‌بایست به دنبال طراحی مجدد این اوراق بر اساس موازین شرع مقدس بود. تحقیق کتابخانه‌ای که در این خصوص انجام شد به دنبال اثبات این فرضیه بود که شاید بتوان با استفاده از قابلیت‌های صکوک نوع جدیدی از اوراق بهادار بیمه‌ای معرفی کرد که ضمن سازگاری با اصول بازار سرمایه اسلامی، کارکردی مشابه با اوراق متعارف جهت انتقال ریسک شرکت‌های بیمه به بازار داشته باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد با استفاده از عقد شرکت و از راه مشارکت خریداران اوراق در ارائه پوشش بیمه‌ای به بیمه‌گذاران و از طرفی شراکت در سود و زیان ناشی از پوشش بیمه‌ای ارائه شده، می‌توان اوراقی به نام صکوک مشارکت بیمه‌ای صادر نمود که دارندگان اوراق به صورت مشترک بیمه اتکایی را عهده‌دار شوند (نظرپور و خزایی، ۱۳۹۲).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، ضرورت‌های مدیریت ریسک از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش ضمن ارائه مصداق‌هایی از قرآن کریم، روایاتی از ائمه و نظرات فقهی در خصوص لزوم توجه به مقوله ریسک در تصمیم‌گیری مدیران، و در گام بعد نحوه مقابله با ریسک با استفاده از ابزارهای مالی موجود بررسی شد.

نتیجه اول، بررسی انجام شده نشان می‌دهد حداقل به دلایل زیر مدیریت ریسک از دیدگاه اسلام نه تنها پذیرفته شده می‌باشد بلکه یک ضرورت به شمار می‌رود.

۱. اسلام بین ریسک و شانس تمایز قائل می‌شود. لذا علی‌رغم مخالفت با قمار، ولی تحمل ریسک و در نتیجه آن دریافت پاداش را مجاز می‌شمارد.

۲. جنبه امانت بودن مدیریت در رویکرد اسلامی است. عدم رعایت معیارهای امانتداری می‌تواند از مصادیق خیانت در امانت باشد. یکی از این معیارها حفظ امانت نزد امین است. منابع متعلق به گروه‌های مختلف ذینفعان که در اختیار مدیر قرار می‌گیرد به مثابه امانتی است که مهمترین وظیفه مدیر نه تنها حفظ ارزش آن‌ها، بلکه خلق و ایجاد ارزش افزوده در مورد آن‌ها است. از آن‌جا که رابطه بازده و ریسک همسو می‌باشد لذا خطای در تعیین سطح مطلوب ریسک در تصمیم‌گیری‌های مدیر می‌تواند منجر به جابجایی ثروت بین گروه‌های مختلف ذینفعان گردد که این نیز با توجه به اهمیت فوق‌العاده بالای مقوله "حق الناس"، لزوم دقت کافی در لحاظ سطح ریسک مناسب در امر تصمیم‌گیری را تایید می‌نماید.

بهترین و مهمترین الگو در این زمینه، موفقیت‌های پیامبر اکرم (ص) در امر تجارت برای خدیجه (س) می‌باشد. از جمله عوامل اصلی توفیق ایشان در این امر مورد اطمینان بودن نزد طرف مقابل می‌باشد که البته نمود آن خطاب کردن ایشان به "محمد امین" در جامعه آن دوران است. برخورداری از این صفت، منجر به پدید آمدن "اعتماد" در روابط می‌شود که خود مهمترین عامل در کسب و کار موفق به شمار می‌رود. همین ویژگی می‌تواند راه‌حل اساسی "مساله نمایندگی" در نظام مالی متعارف نیز باشد که امروزه به عنوان یکی از چالش‌های مهم تجارت مطرح می‌باشد.

۳. اشاره قرآن کریم در سوره مبارکه نجم بر وجود شرایط عدم اطمینان کامل و لزوم تصمیم‌گیری انسان در شرایط ریسک است، که به نحوی بر این امر صحنه می‌گذارد. البته تصمیم‌گیری در این شرایط باید مبتنی بر عقل و تجربه باشد.

مساله دیگری که سایر آیات مرتبط با تصمیم‌گیری در وضعیت عدم اطمینان بر آن دلالت دارند، مفهوم "توکل" است که با طرح این نکته، قرآن کریم می‌خواهد به انسان همت مضاعف داده و بفهماند که نتیجه مطلوب فقط در گرو کوشش وی نیست بلکه عوامل دیگری مانند خواست خداوند متعال دخیل می‌باشد. اما این بدان معنی نیست که انسان از ابزاری که خداوند در اختیار او نهاده است، صرف‌نظر کند.

۴. روایتی از امام رضا (ع) در رابطه با نحوه انجام سرمایه‌گذاری توسط امام صادق (ع) نقل می‌شود که به اصطلاح رایج در نظام مالی متعارف مبتنی بر اصل تنوع بخشی و تشکیل پرتفوی سرمایه‌گذاری و به منظور مدیریت ریسک، سرمایه خویش را در زمینه‌های مختلف توزیع نموده بودند.

۱. خلاصه نتایج سایر تحقیقات شامل موارد زیر:
 - پذیرش ریسک می‌بایست بر مبنای معقول بودن میزان هدف و خطر انجام شود، چرا که در غیر این صورت از مصادیق انداختن نفس در هلاکت خواهد بود که در قرآن کریم، سوره مبارکه بقره از آن نهی شده است، حمزه‌ای (۱۳۹۲).
 - ارزش‌های مذهبی بر پدید آمدن فرهنگ سازمانی و به دنبال آن، بر فراگرد تصمیم‌گیری موثر می‌باشد، یاغی (۲۰۰۸).
 - مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری ربوی، اهمیت بیشتری دارد، اکبری‌ان و دیان‌تی (۱۳۸۵).
 - مطابقت نهادهای مالی اسلامی با استانداردهای بین‌المللی امری اجتناب‌ناپذیر است، که علاوه بر افزایش اعتبار نهادهای مذکور، موجب افزایش رشد و ثبات این صنعت خواهد شد، خان و احمد (۱۳۹۰).
 - با توجه به ابعاد تکلیف، خدمت و هدایت بودن مدیریت از دیدگاه اسلام، غفاری (۱۳۹۲) بیان می‌کند که مهم‌ترین اهداف مدیریت ریسک شامل بقاء، صرفه‌جویی، کاهش استرس، ثبات عایدات، عدم توقف عملیات، رشد مداوم، سودمند بودن و ایفای مسوولیت اجتماعی می‌باشد.
- نتیجه دوم**، دیدگاه اسلام در خصوص انواع راهکارها و ابزارهای معمول مورد استفاده در واکنش به ریسک به شرح زیر خلاصه می‌شود.
 ۱. **پذیرش یا اجتناب از ریسک**؛ براساس مطالعه آموزه‌های دینی و نتایج تحقیقات انجام شده، پذیرش ریسک در اسلام امری جایز و حتی در برخی موارد ضروری می‌باشد، ولی براساس نظر متفکرین اسلامی، مولد و قابل کنترل بودن ریسک از شرایط اصلی پذیرش آن است. مشروعیت درآمدزایی ریسک و رابطه مثبت ریسک با درآمد بدون محدودیت نیست. گستره این دو اصل به وسیله نصوص قمار محدود می‌شود.
 ۲. **کاهش یا توزیع ریسک**؛ در این بخش ابزارهای مالی نوین مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد:
 - **بیمه** ابزاری که در تمامی انواع خود مورد قبول می‌باشد. به این ترتیب بیمه بعنوان یکی از ابزارهای مهم مدیریت ریسک در اختیار مدیران قرار دارد.
 - **اوراق اختیار معامله و قراردادهای آتی** از دیگر ابزارهای مهم و نوین مالی به شمار می‌روند که با توجه به پویایی فقه شیعه مورد مهندسی مجدد و انطباق با موازین اسلامی قرار گرفته و هم اکنون تحت عنوان اوراق تبعی و قراردادهای تحویل آتی در بازار سرمایه و بورس کالا ارائه شده‌اند.

با فرض اختیار معامله به عنوان یک حق مالی می‌توان آن را قابل داد و ستد دانست. از سوی دیگر قراردادهای آتی در قالب عقد صلح صحیح و شرعی می‌باشد.

• **قراردادهای تاخت** که به شکل رایج در نظام مالی متعارف با مشکلات فقهی روبه‌رو بوده و قابل استفاده در بازارهای مالی اسلامی نمی‌باشد. امکان تصحیح این نوع قراردادها در رابطه با نرخ ارز و از طریق "تعهد در برابر تعهد بیع" یا "معاوضه دارایی‌های پایه ارزی" فراهم آمده است. یافتن جایگزینی برای کاربردی‌ترین ابزار پوشش ریسک می‌تواند حائز اهمیت باشد.

• **سایر ابزارها؛ اسناد خزانه** یکی از این ابزارها است که اخیراً بعنوان ابزار بدون ریسک در بازار سرمایه تحت عنوان اوراق خزانه اسلامی پذیرفته شد. همچنین اوراق بلایای طبیعی و صکوک مشارکت بیمه‌ای به عنوان ابزارهای پیشنهادی نتایج تحقیقات اخیر در زمینه ارائه ابزارهای مالی اسلامی می‌باشد که در جهت توزیع و کاهش ریسک می‌تواند مورد استفاده قرار گیرند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن کریم

نهج‌البلاغه

۱. احمدی، مسعود. (۱۳۹۲). مدیریت اسلامی. چاپ هفتم. تهران: پژوهش‌های فرهنگی.
۲. خان، طریق‌الله و احمد، حبیب (۱۳۹۰). مدیریت ریسک؛ بررسی عوامل بروز آن در صنعت خدمات مالی اسلامی (ترجمه موسوی بیوکی و حمید خادم‌الحسینی). چاپ دوم. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳. نظریور، محمدنقی و صدراپی، محمدحسین. (۱۳۹۶). شناسایی و رتبه‌بندی ریسک‌های اسناد خزانه اسلامی در بازار اوراق‌بهادار ایران. فصل‌نامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
۴. موسویان، سیدعباس، مهدوی، غدیر، میرطاهر، محمدجواد. اوراق بیمه اتکایی اسلامی جهت انتقال ریسک در صنعت نفت. سال چهارم، شکاره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۴، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی.
۵. حسین‌زاده، جواد و شیروی، عبدالحسین. (۱۳۸۶). وضعیت فقهی و حقوقی قراردادهای اختیار معامله. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۶.
۶. اکبریان، رضا و دیانتی، محمدحسین. (۱۳۹۵). مدیریت ریسک در بانکداری بدون ربا. فصلنامه اقتصاد اسلامی، زمستان، شماره ۲۲.
۷. السویلیم، سامی ابراهیم (۱۳۸۶). پوشش ریسک در مالی اسلامی (ترجمه محمد مهدی عسگری، محمد علیزاده و مهدی حاجی رستم‌لو). تهران، انتشارات امام صادق (ع).
۸. فطانت، محمد و آقاپور، ابراهیم. (۱۳۸۰). اوراق اختیار معامله. موسسه تحقیقات پولی و بانکی، چاپ اول.
۹. جاسبی، عبدالله. بورایی، محمد. سرلک، مریم. (۱۳۸۶). مدیریت و دارة امور دولتی در اسلام. انتشارات دانشگاه آزاد.
۱۰. ذاکرنیا، احسان، علیزاده، خادم. (۱۳۹۶). اصول حاکم بر اعتبارسنجی در مدیریت ریسک اعتباری بانکداری اسلامی از نگاه قرآن. سال ششم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، فصلنامه علمی و پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی.
۱۱. راعی، رضا و سعیدی، علی. (۱۳۸۵). مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک. چاپ دوم. تهران: سمت.

۱۲. نظریور، محمدتقی، صدرایی، محمد حسین. (۱۳۹۶). شناسایی و رتبه‌بندی ریسک‌های اسناد خزانة اسلامی در بازار اوراق بهادار ایران. سال ششم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۶. فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی.
۱۳. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۴). دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت. تهران، نشر یلدا، چاپ اول.
۱۴. انجمن مدیریت ریسک، جامعه مدیران بیمه و ریسک، و مجمع ملی مدیریت ریسک بخش دولتی. (۱۳۸۹). استاندارد مدیریت ریسک (ترجمه امیر پوریان‌سب و محمد آزاد). چاپ اول. تهران: انجمن حسابداران خبره ایران.
۱۵. راس، استفان و وسترفیلد، رندلف و جردن، بردفورد. (۱۳۹۱). مدیریت مالی نوین (ترجمه علی جهانخانی و مجتبی شوری). چاپ پنجم، جلد اول. تهران: سمت.
۱۶. عرفانی، توفیق. (۱۳۷۱). قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران. تهران، انتشارات کیهان، چاپ اول.
۱۷. حسینی چالشتی، محسن. (۱۳۷۶). امکان سنجی طراحی قراردادهای آتی در نظام مالی اسلام. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق، بهمن ۱۳۷۶.
۱۸. عزیزی، احمد. (۱۳۷۷). بازار سلف ارز و موانع و مشکلات ایجاد آن در ایران. ارائه شده در نهمین همایش بانکداری اسلامی.
۱۹. بت‌شکن، محمد هاشم. (۱۳۷۷). شناخت قراردادهای مالی و اختیار معاملات و ارائه الگویی جهت راه‌اندازی بازار آن‌ها در ایران. رساله دکتری، مدیریت مالی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
۲۰. آل بورایی، محمد عبدالله. (۱۳۸۰). مدیریت و اداره دولتی در اسلام؛ نگرش اسلامی بر توسعه اداری (ترجمه عبدالله جاسی، هاشم نیکومرام، محمدرضا ربیعی و فروغ رستمیان). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۱. مرادی، مهدی. (۱۳۸۶). اوراق اختیار معامله، قراردادهای تحویل آتی و قراردادهای اسلامی مشابه با آن‌ها. مجله دانش و توسعه (علمی-پژوهشی)، ص ۱۹۵.
۲۲. غفاری، هادی. (۱۳۹۲). مشروعیت ریسک مالی از دیدگاه آموزه‌های اسلامی. دو فصلنامه پژوهش‌های مالیه اسلامی. سال اول، شماره دوم.
۲۳. اژدری، علیرضا. (۱۳۸۸). مدیریت در اسلام و مصادیق آن. پایگاه مقالات علمی مدیریت (www.SYSTEM.parsiblog.com).

۲۴. صرفه‌جو، علی اصغر. (۱۳۸۸). ویژگی‌های عمومی مدیریت از دیدگاه اسلام. پایگاه مقالات علمی مدیریت (www.SYSTEM.parsiblog.com).
۲۵. مصباحی‌مقدم، غلامرضا و صفری، محمد. (۱۳۸۸). بررسی درآمد حاصل از تحمل ریسک از دیدگاه آموزه‌های اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی. سال نهم، شماره ۳۶.
۲۶. حمزه‌ای، محمد. (۱۳۹۲). خطری‌پذیری در زندگی از دیدگاه اسلام. مجله کیهان، ۲ بهمن ۱۳۹۲.
۲۷. بکتاش، محمد کاظم. (۱۳۹۱). مشروعیت درآمدهای «ریسک و مخاطره» در بازارهای مالی از دیدگاه فقه امامیه. مجله معرفت اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره اول.
۲۸. شریعت پناهی، سید مجید و معصومی‌نیا، علی و الهی، مهدی. (۱۳۹۲). امکان سنجی فقهی استفاده از سوآپ نرخ ارز در فرآیند مدیریت ریسک ارز. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی. سال سیزدهم، شماره ۴۹.
۲۹. غفاری، هادی. (۱۳۹۲). مشروعیت ریسک مالی از دیدگاه آموزه‌های اسلامی. دو فصلنامه پژوهش‌های مالی اسلامی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
۳۰. سلیمان‌پور، محمد جواد. (۱۳۸۲). قراردادهای مالی جدید در اسلام. مجله اقتصاد اسلامی. سال سوم.
۳۱. سیف‌لو، سجاد. (۱۳۸۸). بررسی فقهی تطبیقی اوراق بلاای طبیعی. دو فصلنامه علمی تخصصی اقتصاد اسلامی. سال دوم، شماره اول.
۳۲. حسین‌زاده، جواد و شیروی، عبدالحسین. (۱۳۸۷). وضعیت فقهی و حقوقی قرارداد اختیار معامله. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی. سال هفتم، شماره ۲۷.
۳۳. معصومی‌نیا، علی و الهی، مهدی. (۱۳۹۱). امکان سنجی فقهی استفاده از سوآپ کالا در بازارهای مالی ایران. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی. سال یازدهم، شماره ۴۴.
۳۴. موسویان، سید عباس و نظری‌پور، محمدنقی و خزائی، ایوب. (۱۳۹۰). امکان سنجی فقهی طراحی اسناد خزانه اسلامی در بازارهای مالی اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی. سال دهم، شماره ۴۰.
۳۵. نظری‌پور، محمدنقی و خزائی، ایوب. (۱۳۹۲). طراحی صکوک مشارکت جهت انتقال ریسک شرکت‌های بیمه به بازار سرمایه. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی. سال دوازدهم، شماره ۴۷.
36. Enterprise Risk Management Framework (COSO Committee), 2004.
37. Enterprise Risk Management Framework, Application Techniques (COSO Committee), 2004.
38. Iqbal, Z., Mirakhor, A., Askari, H. & Krichene, N. (2012). "Risk Sharing in Finance: The Islamic Finance Alternative" John Wiley & Sons Inc.

39. Yaghi, A. (2008). "Leadership Values Influencing Decision Making: An Examination of Nine Islamic, Hindu and Christian Nonprofit Institutions in USA". *South Asian Journal of Management*, 15(1), 1-17.
40. Khan, T. & Ahmed, H. (2001). "Risk Management: An Analysis of Issues in the Islamic Financial Industry". Jeddah: IRTI Occasional Paper, No. 5.
41. Zeti, A. A. (2013). "Islamic Finance Can Support Growth". E-File is available at: <http://www.thestar.com.my/Busine>.
42. Al-Suwailem, S. (2000). "Decision Under Uncertainty", An Islamic Perspective. in *Islamic Finance: Challenges and Opportunities in the Twenty First Century (Conference Papers)*, Loughborough: Fourth International Conference on Islamic Economics and Banking.
43. Abrol, P. N. & Sharma, S. D. (2003). "Encyclopedic Dictionary of Financial Management". New Delhi: Anmol Publications.
44. Obaidullah, M. (2002). "Islamic Risk Management: Towards Greater Ethics and Efficiency". *International Journal of Islamic Financial Services*, 4(3), pp. 1-18.





شعبه‌شناسی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی